



احمد اميد

ترجمه عارف جمشیدی

www.ketab.ir

خاطره استانبول

www.ketab.ir

امید، احمد، ۱۹۶۰ - م.

Ümit, Ahmet

خاطرة استانبول

احمد امید؛ ترجمه عارف جمشیدی

تهران: نشر ثالث، ۱۴۰۰.

۶۸۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۶۹۱-۵

عنوان اصلی: İstanbul Hatirasi

داستان‌های ترکی استانبولی - قرن ۲۰ م

جمشیدی، عارف، ۱۳۶۰ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: PL۲۴۸

رده‌بندی دیویی: ۸۹۴/۳۵۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۵۵۵۶۰



www.ketab.ir

خاطره استانبول

احمد امید

ترجمه عارف جمشیدی

ویرایش: نسترن حسین پور- نازنین خلیلی پور

صفحه آرایی: مهسا خوش نیت

طراحی جلد: هادی ملکی

مجموعه عهد لاله (ادبیات ترکی)

چاپ اول: ۱۴۰۰ / ۴۴۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۶۹۱-۵

ISBN: 978-600-405-691-5

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم
فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸
فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایران مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳
فروشگاه شماره سه: پاسداران / میدان هروی / مجتمع هدیش مال
فروشگاه شماره چهار: خیابان فرشته / آقا بزرگی / باغ ریشه / پ ۳۱
تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۲۷ - ۸۸۳۲۵۲۷۶-۷
آدرس سایت: www.salepublication.com
آدرس اینستاگرام: [salepublication](https://www.instagram.com/salepublication)

فهرست

مقدمه مترجم	۱۵
زندگینامه نویسنده	۱۷
درنگی با مترجم	۲۱

بیزانتیون شهر افسانه‌ای شاه بیزاس	۲۳
یعنی می‌خواهید بگویند این مرد را برای آتاتورک قربانی کرده‌اند؟	۲۹
بیزانتیون، نام قدیمی استانبول	۳۳
انسان، خیلی هم موجود وفاداری نیست	۴۱
نظر شما چیست سربازرس؟ معشوقه‌ای قدیمی؟	۴۷
شاه بیزاس بنیانگذار این شهر محسوب می‌شود	۵۵
به شما گفته بود که بیزاس نیمه‌خداست؟	۷۳
استانبول برای هیچ‌کس مهم نیست	۸۳
نمی‌توانستم این کار را با اوگنیا بکنم	۹۷
آتشی هستم که می‌سوزم، بی‌دود و بی‌خاکستر	۱۰۳
نوزات شانس بزرگی آورده که رفقای خوبی مثل شما دارد	۱۲۱

کنستانتیناپولیس پایتخت امپراتوری کنستانتین	۱۳۱
صلیبی بزرگ بر سینه‌اش و تاجی باشکوه بر سرش	۱۳۵
جرم و جنایت در این شهر تمام‌شدنی نیست	۱۵۷
آدمکشی کاری نیست که از عهده هر کسی بریاید	۱۶۳
می‌شه به کسی که اعتقادات دینی نداره احترام گذاشت؟	۱۷۳

مرگ پدرتان بنا بر مصلحت حضرت حق نبوده..... ۱۸۵.....
و آن قدر باهوش که در هر قتل پیامی گنجانده ۱۹۷.....
تحقیقات جنایی هم مثل معلومات تاریخی است ۲۰۵.....
سلطنت با خون تثبیت می شود ۲۱۵.....
زخم هایی که روی گلوی مقتولان بود نمی توانست از نیشتر باشد ۲۲۵.....
باز شب شد و غمی در دلم نشست ۲۳۳.....
تو هم عاشقش بودی، درست است؟ ۲۴۹.....

زره سنگی محافظ کنستانتیناپولیس، باروهای تنودوسیوس دوم ۲۶۱.....
جوری نگاه می کند که انگار خدا را دیده است ۲۶۵.....
آیا ممکن است دلیل همه این جنایات ها انگیزه های مذهبی باشد؟ ۲۷۵.....
هزاران ساختمان های پی توامه که استانبول را زشت و بدترکیب کرده بودند ۲۸۵.....
در راه حق جهاد کنید، باشد که درستکار شوید ۲۹۱.....
به جای ظالم بودن، بنده مظلوم خدا باش ۲۹۹.....
شاید کلید حل این معما در آن دریای اخول پنهان شده است ۳۱۱.....
زخم روح را درمانی نیست ۳۱۳.....
سکه ای که در مشت مقتول بود متعلق به تنودوسیوس بود ۳۲۵.....
نمادتان هم شاه بیزاس است؟ ۳۲۹.....
تمام آحاد جامعه، در هر مقامی که باشند، باید از قانون تبعیت کنند ۳۳۹.....
قاچاق سکه؟ ۳۴۵.....
شاید اسرار این شهر در چشم هایش مخفی بود ۳۵۹.....
یعنی همان ستون وسط میدان فاتح (کیزتاشی) ۳۶۷.....
با تشکیلات جنایی سازمان یافته ای طرف بودیم ۳۷۹.....

کنستانتیناپولیس جاستینانوس، شهری برخاسته از خاکستر خود ۳۸۷.....
جایی که قاتل ها به آن اشاره می کردند، قصر ایاصوفیا بود ۳۹۳.....
فرشته ها از من قطع امید کرده بودند ۴۰۵.....
به هر حال روزهای خوبی بود ۴۱۵.....
جاستینین قدرترین امپراتور روم شرقی بوده است ۴۲۱.....

مقدمه مترجم

درس تاریخ به فنّ رمان. این جمله تعبیر اولین احساسی بود که پس از خواندن کامل کتاب به من دست داد. احمد امید از دل یک واقعه - مدرنیسم اجتناب ناپذیر - حقیقتی را در برابر ما به تصویر می کشد که برای فهم آن به کپسول مرگ نیاز داریم. خشت خشت تاریخی که رو به زوال است و قدرتی در برابر نوآرایی و تجدد ندارد. جادوی ضریبانگ این زوال به حدی فریاست که انسان قرن بیست و یک، با آن ویرین روشنفکر نمایانه اش، قدرت درک آن را ندارد. «هر مرگ شروع یک زندگی است.» این تعبیر شاعرانه حقیقت می نمود، اگر دنیای ما این شاعرانه باقی می ماند. قرن بیست و یک، دنیای پس از قرن جنگ، صورتی نو از جنگ انسان علیه انسان را مهره چینی می کند. انسان کم تر انسان می کشد، اما انسانیت را چرا. چهره تمام نمای تاریخ انسانیت به معنی حیات انسان و درس های انسان برای انسان است.

و این انسانیت نزار، عاجزانه دست به سوی چنین انسانی دراز کرده است که اقیون مدرنیسم وی را در مشکلات، هنجارها، بدبختی ها و خواست های خود به بند کشیده است. تاریخ، تاریخ انسانیت، تاریخ انسان ساز، آموزه ای است که گاه ادبیات آن را یادآوری می کند. و ادبیات تاریخی، ادبیات انسان ساز است اگر رسالتش عین صداقتش باشد. و کتاب پیش رو نمونه کاملی از این نوع ادبیات است.

رمان خاطره استانبول^۱ داستان تاریخ یکی از هفت مدنیت باستان است؛ تاریخی

1. *İstanbul Hatırası*

سه هزار ساله و گذار تمدن‌های بارز دوران تاریخی که با قلمی استادانه به سبکی ملموس و عامه‌پسند روایت می‌شود تا انسان بیگانه با تاریخ را دایمانه به پای آن بشناسد. هفت پادشاه، هفت مکان تاریخی، هفت جنایت در هفت روز و فقط یک واقعیت محض. *رمان خاطره استانبول* تاریخ این دیار را به سبک معمول آثار احمد امید، نویسنده شهر ترک، در قالب ادبیات پلیسی-جنایی روایت می‌کند. انتخاب روایتی تاریخی با این پیشینه و قدمت، در چنین سبکی، خود وجهی از نبوغ این نویسنده نام‌آشنای جهانی است که آثارش به بیش از بیست زبان زنده دنیا ترجمه شده‌اند. این حسن انتخاب برای تعریف و ارائه تاریخ شهر استانبول خواننده را هر چه بیش‌تر تشویق می‌کند تا با توزیع کتاب تاریخ همگام شود.